

پیشگیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران

محمدحسین رضانی قوام‌آبادی^۱

چکیده

امروزه بازیگران غیردولتی نقش مهمی در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی ایفا می‌کنند. تنوع جغرافیایی حوزه‌ی فعالیت و کارکردهای متفاوت آن‌ها سبب شده تا بازیگران دولتی نتوانند نسبت به نقش این بازیگران جدید بی‌تفاوت باشند. سازمان‌های غیردولتی در دو قالب «رقیب» یا «همکار» دولت‌ها نقش‌دهی می‌کنند. در موضوعات مرتبط با حقوق بشر این سازمان‌ها بیشتر به عنوان رقیب دولت‌ها هستند؛ در حالی که در خصوص مسائلی چون بهداشت، توسعه و محیط زیست بیشتر به مثابه‌ی همکار دولت‌ها تلقی می‌شوند. در نظام حقوقی ایران نقش کنشی این سازمان‌ها در خصوص حفاظت از محیط زیست انکارناپذیر است؛ اما در مرحله‌ی واکنشی همچنان خلاءهای بسیاری وجود دارد؛ باید بسترهای مناسبی برای مشارکت فعالانه‌ی این بازیگران در دادخواهی زیست‌محیطی فراهم شود؛ به نحوی که بتوانند به عنوان شبه‌دادستان به جایگاه مطلوب خود در دادرسی‌های کیفری نائل شوند.

واژگان کلیدی:

سازمان‌های غیردولتی، پیشگیری، جرم، محیط زیست، دادخواهی،

مشارکت.

۱. دکتری حقوق بین‌الملل، استادیار دانشگاه شهید بهشتی.

درآمد

توسعه‌ی لجام‌گسیخته‌ی صنعتی، طبیعت را دگرگون ساخته و صدمات جبران‌ناپذیری بر محیط زیست بشری وارد کرده است. بدین سبب، اتخاذ تدابیری در سطح ملی و بین‌المللی به عنوان یکی از اقدامات مهم، در دستور کار بسیاری از کشورها قرار گرفته است؛ در این راستا نیز تاکنون کنفرانس‌های بسیاری برگزار شده است. یکی از ساز و کارهای عمده و تعیین‌کننده در جهت تحقق این مهم، شناسایی و نقش‌دهی به سازمان‌های غیردولتی در مسائل زیست‌محیطی است.

اصل پیشگیری یکی از مهم‌ترین اصول شناخته‌شده‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌باشد و به عنوان «قاعده‌ی طلایی»^۱ در این حوزه تلقی می‌گردد. این اصل به طور صریح در «اعلامیه‌ی ریو ۱۹۹۲ در مورد محیط زیست و توسعه»^۲ پیش‌بینی شده است؛ تحقق این اصل در راستای اجرای فصل ۲۷ دستور کار ۲۱^۳، مستلزم نقش‌دهی به سازمان‌های غیردولتی است. این دستور کار به نقش بازیگران اجتماعی توجه دارد؛ به طور کلی این بازیگران به دو قسم افراد و مجامع و گروه‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. زنان، جوانان، افراد بومی، کشاورزان، دانشمندان از جمله اشخاص حقیقی هستند که در حوزه‌ی حفاظت از محیط زیست مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ در حالی که مجامع محلی، سندیکاها و سازمان‌های غیردولتی از جمله بازیگران گروهی می‌باشند؛ که نقش‌هایی برای آن‌ها لحاظ شده است. تأمل در این بازیگران گویای چند واقعیت است؛ نخست این که، این بازیگران به دو گروه بزرگ اشخاص حقیقی و حقوقی تقسیم می‌شوند، دیگر آن که در ماهیت غیردولتی بودن اشتراک دارند و سرانجام این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در صیانت از محیط زیست، اشتراک هدف دارند.

امروزه سازمان‌های غیردولتی از دو جهت به نظام عدالت کیفری در راستای تحقق اهداف خود کمک می‌کنند. از یک سو، با ایفای وظایف خود در زمینه‌ی اعلام

1. Golden Rule.

۲. اعلامیه‌ی ریو یکی از اسناد پنج‌گانه‌ی مهمی است که در دومین کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ریودوژانیرو برزیل در سال ۱۹۹۲ میلادی به تصویب رسید. این اعلامیه جنبه‌ی الزام‌آور ندارد؛ اما به موجب آن برخی اصول بنیادین حقوق محیط زیست چون پیشگیری و احتیاط شناسایی شده است.

۳. دستور کار ۲۱ یکی دیگر از اسناد مصوب کنفرانس ریو ۱۹۹۲ می‌باشد. در این دستور کار که مشتمل بر ۴۰ فصل است، به تفصیل سازوکارهای اجرایی شدن مفاد اعلامیه‌ی ریو آمده است. دستور کار ۲۱ در راستای حفاظت از محیط زیست، موضوعات بسیاری را مطرح می‌کند؛ یکی از آن‌ها نقش سازمان‌های غیردولتی به عنوان بازیگران محیط زیست می‌باشد.

و گزارش جرایم، نظام عدالت کیفری را در کشف و تعقیب جرائم کمک می‌کنند و از سوی دیگر با نقش‌آفرینی خود در فرایند کیفری به بزه‌دیدگان خاص یاری می‌رسانند. افزون بر این، با حساس‌سازی افکار عمومی و تبلیغات و اطلاع‌رسانی به موقع خود، می‌توانند نقش مهمی در حمایت از محیط زیست ایفاء کنند.

تحقق اهداف عالی‌ه‌ی زیست‌محیطی بدون توجه به نقش سازمان‌های غیردولتی در مراحل مختلف شکل‌گیری هنجارهای زیست‌محیطی و نظارت و اجرای آن‌ها دشوار است. اجتماعی بودن پدیده‌ی جرم ایجاب می‌کند تا حتی‌المقدور برای پیشگیری و سرکوب جرایم از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی استفاده شود. مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرآیند کیفری یکی از این ظرفیت‌ها تلقی می‌شود؛ امری که می‌تواند در توفیق برنامه‌های پیشگیری در جامعه مؤثر باشد. بنابراین، رویکرد مشارکتی و اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه می‌تواند از وقوع بسیاری از جرایم زیست‌محیطی جلوگیری کند.

افزون بر پیشگیری، اتخاذ رویکرد واکنشی در راستای جرم‌انگاری اعمال تخریب و آلوده‌کننده‌ی محیط زیست از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ با شناسایی و توسعه‌ی صلاحیت متولیان این امر از متولیان عمومی و دولتی به متولیان خصوصی و غیردولتی، دفاع از حریم طبیعت، روند بهتر و آسان‌تری به خود خواهد گرفت. از این رو، تعامل سازمان‌های غیردولتی با دولت و صلاحیت این سازمان‌ها در دعاوی کیفری زیست‌محیطی نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست در مرحله‌ی کنترل و اجرا دارد.

پرسش این است که آیا حقوق ایران برای سازمان‌های غیردولتی در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی نقشی را در نظر گرفته است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، این نقش‌دهی در قوانین ایران چگونه است و در صورت فقدان آن چه اقداماتی باید در حوزه‌ی قانونگذاری صورت گیرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها نوع نگرش مقنن ایران نسبت به موضوع محیط زیست در حوزه‌ی سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی را آشکار کرده، معیارها و سازوکارهای اتخاذ شده در قالب پیشگیری مشارکتی برای حفاظت از محیط زیست و بهره‌گیری پایدار از منابع طبیعی کشور را تبیین می‌نماید. بر حسب نوع تفسیری که از واژه‌ی پیشگیری صورت می‌گیرد، سازوکارهای

آن نیز متفاوت می‌شود. در صورت ارائه‌ی تفسیری موسع از پیش‌گیری در حوزه‌ی جرایم زیست‌محیطی، مقصود اقدامات و سازوکارهای متنوع کیفری و غیر کیفری است و در صورت ارائه‌ی تفسیری مضیق از این مفهوم، تنها سازوکارهای کیفری مدنظر است. به عبارت دیگر، پیش‌گیری در معنای موسع خود شامل طیف گسترده‌ای از اقدامات و سازوکارها است؛ در حالی که در معنای مضیق و اخص آن، تنها اقدامات غیر کیفری را در برمی‌گیرد.

بر این اساس، در صورت رجوع به معنای اخص پیش‌گیری، تنها اقدامات کنشی را در پیش داریم و در صورت مراجعه به معنای عام و موسع آن، افزون بر اقدامات کنشی، اقدامات واکنشی را نیز مورد توجه قرار داده‌ایم. با این تعبیر در این نوشتار هر یک از اقدامات و سازوکارهای غیر کیفری و کیفری در حوزه‌ی محیط زیست، در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی بررسی می‌شود.

۱. وضعیت موجود سازمان‌های غیردولتی در پرتو رویکرد پیش‌گیرانه

از جرایم زیست‌محیطی

تاکنون در سطح ملی و هم‌چنین بین‌المللی تعاریف متعددی از سازمان‌های غیردولتی ارائه شده است؛ اما تنوع این سازمان‌ها به حدی است که ارائه‌ی یک تعریف واحد از آن‌ها دشوار است؛ با این وجود این سازمان‌ها از منظر دارا بودن ماهیت خصوصی و غیرتجاری بودن دارای وجه مشترک‌اند.

در تعریف سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی چنین آمده است: «سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی به شکل‌های غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی اطلاق می‌گردد که از تجمع اشخاص حقیقی به طور داوطلبانه و به گونه‌ای سازمان‌دهی شده است که این اشخاص با تدوین اساسنامه‌ای مدون، از تاریخ ثبت در مراجع رسمی کشور به عنوان یک شخصیت حقوقی جهت تحقق اهداف و آرمان‌های مشترک در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست به فعالیت در سطح شهرها و روستاهای کشور و در صورت امکان در سطح بین‌المللی می‌پردازند» (رشیدپور، ۱۳۸۲: ۵).

موجودیت این سازمان‌ها در ایران گواه این واقعیت است که از دیرباز به

صورت عملی این سازمان‌ها در قالب مؤسسات خیریه اعم از مذهبی یا رفاهی همچون هیأت‌ها و دستجات سینه‌زنی و زنجیرزنی و اداره‌ی آب‌انبارها در ایران وجود داشته و دارند. به عبارت دیگر، این نهادها به غیر از ثبت، دارای کلیه‌ی مؤلفه‌های مربوط به یک سازمان غیردولتی بوده‌اند. در حقوق ایران شاید بتوان قانون تجارت^۱ و آیین‌نامه‌ی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری^۲ مصوب سال ۱۳۳۷ را نخستین مقرراتی دانست که سازمان‌های غیردولتی را تعریف کرده‌اند.

بعضی از کشورها مانند فرانسه و سوئیس در این حوزه پیشگام بوده‌اند؛ به نحوی که بیش از یک قرن است که وضعیت این سازمان‌ها را به حیثه‌ی قانونگذاری درآورده‌اند. برای مثال فرانسه با تصویب قانون مربوط به انجمن‌ها در اول ژوئیه ۱۹۰۱ تلاش کرد تا شکل‌گیری و تأسیس این سازمان‌ها را نظام‌مند کند. ماده‌ی یک این قانون اشعار می‌دارد: «انجمن قراردادی است که طبق آن دو یا چند شخص دانسته‌ها و فعالیت‌های خود را به طور دائمی در راه نیل به هدفی غیر از کسب منفعت در میان می‌نهند»^۳ (Loi relative au contrat d'association, 1901: 5). این ماده واجد برخی از عناصر ساختی سازمان غیردولتی مانند ماهیت خصوصی، غیرانتفاعی بودن و استمرار و تداوم فعالیت‌ها است. ماده‌ی مذکور تنها تعریفی از انجمن به دست داده و موجودیت و اهلیت حقوقی آن را مطابق ماده‌ی ۵ به ثبت موکول نموده است؛ در حالی که در قانون مدنی سوئیس انجمن‌ها به محض تشکیل دارای شخصیت حقوقی می‌شوند و نیازی به ثبت ندارند^۴ (بیگزاده، ۱۳۷۹: ۲۱-۲۲).

لذا، این قانون به مثابه‌ی سنگ‌بنای شکل‌گیری و تأسیس سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی فرانسه تلقی شده و بستر مناسبی را برای مشارکت این

۱. ماده‌ی ۵۸۴: «تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیرتجاری تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند».

۲. ماده‌ی ۱: «مقصود از تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت کلیه تشکیلات و مؤسساتی است که برای مقاصد غیرتجاری از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شود اعم از آن که مؤسسین و تشکیل‌دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند».

3. Article 1 de la loi du 1er juillet 1901 relative au contrat d'association prévoit que: "L'association est la convention par laquelle deux ou plusieurs personnes mettent en commun, d'une façon permanente, leurs connaissances ou leur activité dans un but autre que de partager des bénéfices..."

۴. مواد ۱ و ۵ قانون مربوط به انجمن‌ها مصوب ۱۹۰۱.

سازمان‌ها فراهم آورده است. در فرانسه سازمان‌های غیردولتی بسیاری در حوزه‌های مختلف از جمله محیط زیست فعال هستند؛ این امر نشان‌دهنده اهمیت موضوع محیط زیست و همچنین وجود بستر مناسب و تعریف‌شده‌ی قانونی برای شکل‌گیری و تأسیس این سازمان‌ها است. علاوه بر قانون ۱۹۰۱، قوانین دیگری مانند قانون محیط زیست فرانسه مصوب ۲۰۰۵ به طور مستقیم به نقش انجمن‌های حافظ محیط زیست توجه کرده و مشارکت آن‌ها را در اقدامات نهادها و ارگان‌های عمومی مربوط به محیط زیست و مراجع اداری و قضایی تجویز می‌کند (Code de l'environnement, Art. L141 et L 142).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی حفظ محیط زیست و همچنین مشروعیت ایجاد و فعالیت سازمان‌های غیردولتی دو اصل مهم پیش‌بینی شده است. در اصل پنجاهم این قانون^۱ حفاظت از محیط زیست یک وظیفه‌ی عمومی تلقی گردیده است. ضمن این که فعالیت‌هایی که موجبات آلودگی یا تخریب و نابودی محیط زیست را فراهم می‌آورد، ممنوع شده است. به موجب این اصل همه‌ی مردم ایران موظفند در جهت حفاظت و حمایت از محیط زیست خود اقدام کند؛ بر این اساس، تأسیس و شرکت در سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی و عضویت در آن‌ها، می‌تواند در راستای اصل پنجاهم قانون اساسی و در جهت حفظ محیط زیست و توسعه‌ی پایدار تلقی شود.^۲

دومین اصلی که بر اساس آن ایجاد و فعالیت سازمان‌های غیردولتی استنباط می‌شود، اصل بیست و ششم قانون اساسی است. مقنن با اقتباس از اصل آزادی

۱. «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

۲. از دو دهه‌ی اخیر، ایران شاهد رشد قابل توجه کمی و کیفی سازمان‌های غیردولتی بوده است. در این میان سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی رشد کمی قابل توجهی داشته‌اند؛ به گونه‌ای که حدود پانصد سازمان‌های غیردولتی در این زمینه وجود دارد که در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی فعالیت دارند.

یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده در خصوص افزایش شمار این سازمان‌ها را باید در رشد و توسعه‌ی مردم‌سالاری در جامعه و احترام دولت به حقوق بنیادین افراد در قالب حق تشکیل اجتماعات و مجامع و شرکت در آن‌ها دانست. بر اساس آخرین آمار ارائه شده از سوی سازمان حفاظت محیط زیست در خرداد ماه ۱۳۸۵، در مجموع چهارصد و نود و دو سازمان غیردولتی زیست‌محیطی در سطح کشور فعالیت می‌نمایند. سازمان‌های فعال در سطح تهران و سایر استان‌ها، اسامی، نام مسؤول، آدرس و وضعیت ثبت و مرجع ثبت آن‌ها توسط سازمان مذکور گردآوری شده و در سایت این سازمان قابل دسترسی است.

اجتماعات مندرج در ماده‌ی ۲۰ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در، اصل مذکور مقرر می‌دارد که «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت». اصولاً اهداف و آرمان‌های مندرج در قوانین اساسی از کلیت قابل توجهی برخوردارند؛ بر این اساس است که از ورود به جزئیات پرهیز کرده و بررسی آن را به قوانین عادی احاله می‌کنند. در این راستا اصل مذکور به دو موضوع مرتبط با شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی می‌پردازد: نخست، اصل آزادی اجتماعات و دیگر اصل مشارکت آزادانه‌ی افراد در این اجتماعات. در واقع قانونگذار با به کارگیری واژگانی چون جمعیت‌ها و انجمن‌ها خواسته است تجمع‌های مردمی (سازمان‌های غیردولتی) را لحاظ کند؛ در قسمت اخیر این اصل به صراحت موضوع حق افراد برای شرکت و یا عدم شرکت در هر یک از این تجمع‌ها نیز مطرح شده است. نکته‌ی قابل توجه در این اصل همان دو ویژگی عدم مخالفت با اصول کلی قانون اساسی و الزامی نبودن شرکت در آن‌ها است که در بند الف ماده‌ی ۱۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب سال ۱۳۸۴ نیز آمده است.

با توجه به آنچه گفته شد، نقش سازمان‌های غیردولتی در پیشگیری مشارکتی نسبت به جرایم زیست‌محیطی بررسی می‌شود.

۱-۱. جنینی بودن مرحله‌ی پیشگیری مشارکتی نسبت به جرایم

زیست‌محیطی

به طور کلی رابطه‌ی دولت و سازمان‌های غیردولتی از جوانب مختلف قابل تأمل است. این رابطه به تناسب حوزه‌ی مورد مطالعه متغیر بوده و از تنوع بسیاری برخوردار می‌باشد. به طور کلی حضور و مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دو فرایند شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی و نظارت و اجرای آن‌ها محقق می‌شود. این تنوع

۱. «سازمان غیردولتی که در این آیین‌نامه «سازمان» نامیده می‌شود، به تشکلهایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه یا رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشد».

موجب ظهور نقش‌های متفاوتی برای این سازمان‌ها می‌شود؛ به گونه‌ای که در یک حوزه به عنوان مکمل فعالیت دولت و سازمان‌های بین‌المللی است؛ در حالی که در حوزه‌ی دیگر به عنوان رقیب دولت تجلی می‌یابد. بنابراین، مشارکت این سازمان‌ها در تمام سطوح و زمینه‌ها به یک اندازه نیست؛ در برخی زمینه‌ها مانند حقوق بشردوستانه، حقوق محیط زیست و توسعه، حضور مؤثر و پررنگ دارند؛ در حالی که در بعضی از زمینه‌ها چون حقوق بشر، این سازمان‌ها در مقابل دولت‌ها قرار گرفته و به عنوان رقیب سرسخت آن‌ها تلقی می‌شوند.

همان‌گونه که گفته شد، اصول پنجاهم و بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دو اصل مبنایی بر اهمیت محیط زیست و حفاظت از آن و همچنین آزادی تشکیل مجامع و انجمن‌ها تصریح دارد. جمع بین این اصول از یک سو و وجود سایر مقررات تقنینی و فروتقنینی در رابطه با صیانت از محیط زیست و شکل‌گیری و تأسیس سازمان‌های غیردولتی از سوی دیگر، موجب طرح برخی پرسش‌های اساسی در خصوص پیشگیری مشارکتی می‌گردد.

تنوع سازمان‌های غیردولتی و اهداف متفاوت آن‌ها موجب ظهور کارکردهای مختلفی برای این سازمان‌ها می‌گردد. با توجه به کارکردهای گوناگون این سازمان‌ها، پرسش مهم این است که آیا موضوع پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در دستور کار آن‌ها قرار می‌گیرد؟ پاسخ دادن به این پرسش مستلزم بیان نکات زیر است: اولاً، تأمل در مقررات حاکم بیانگر آن است که در نظام حقوقی ایران صرفاً به طور پراکنده مواد مختلفی به مشارکت سازمان‌های غیردولتی اختصاص یافته است؛^۱ قانون جامع و مستقلی در خصوص پیشگیری مشارکتی وجود ندارد؛ زیرا برنامه‌های پیشگیری از جرم به طور کلی در بستری کاملاً رسمی و دولتی شکل گرفته و جایگاه مناسبی برای سازمان‌های غیردولتی در نظر نگرفته است (منصورآبادی، ابراهیمی، ۱۳۷۸، ش ۸: ۲۶) ثانیاً، این‌که موضوع پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی کمتر مورد توجه واقع شده است.

۱. بنگرید به: ماده واحده‌ی اصلاحی لایحه‌ی قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹/۳/۲۴؛ ماده‌ی ۱۸۲ قانون برنامه‌ی چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ و مواد اول و سوم آیین‌نامه‌ی پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد، مصوب ۱۳۷۷/۱۱/۲۰.

قوه‌ی قضاییه ایران با گذشت بیش از دو دهه از تصویب قانون اساسی به تازگی از طریق پیشنهاد «لایحه‌ی پیشگیری از وقوع جرم» به فکر عملیاتی کردن بخشی از وظایف خود در حوزه‌ی پیشگیری موضوع بند پنجم اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی برآمده است. ماده‌ی ۱ این لایحه، پیشگیری از وقوع جرم را به «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدام‌های لازم برای جلوگیری از وقوع آن» تعریف کرده است. این ماده سه نوع پیشگیری اجتماعی، قضایی و انتظامی از وقوع جرم را مقرر داشته و برای آن‌ها ارکانی عمومی و اختصاصی پیش‌بینی نموده است.

پیشگیری اجتماعی، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ این قسم از پیشگیری امکان حضور سازمان‌های غیردولتی را فراهم می‌سازد. مطابق لایحه‌ی مذکور پیشگیری اجتماعی عبارت است «از تدابیر و روش‌های آموزشی، فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی دولت، نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مردمی در زمینه‌ی سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم». برای عملیاتی شدن اهداف این لایحه و در راستای تحقق پیشگیری اجتماعی، در ماده‌ی ۷ لایحه، رکنی با نام «کمیسیون پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم» پیش‌بینی شده است. بند «و» این ماده یکی از وظایف کمیسیون مزبور را «کمک به تأسیس و تقویت نهادهای غیردولتی، انجمن‌ها و تشکل‌های مردمی در زمینه پیشگیری از وقوع جرم» قرار داده است. تسهیل تأسیس این نهادها نقش کم‌نظیری در پیشگیری از وقوع جرایم زیست‌محیطی و حفاظت از محیط زیست ایفا می‌کند.

با وجود گام بلند قوه قضاییه برای عملیاتی کردن وظیفه‌ی پیشگیری مندرج در قانون اساسی، لایحه‌ی پیشگیری از وقوع جرم ظاهراً نسبت به جرائم زیست‌محیطی بی‌اعتنا است. با این همه، به نظر می‌رسد که لایحه‌ی مذکور به رغم عدم صراحت، دارای ظرفیت لازم برای پوشش دادن به جرائم مذکور نیز باشد. به ویژه آن‌که این اعتقاد درست وجود دارد که دسترسی به محیط زیست سالم، لازمه‌ی تحقق دیگر حقوق اساسی مورد حمایت قوانین کیفری و عدالت بین نسلی زیست‌محیطی است.^۱

۱. بنگرید به: دادنامه‌ی شماره‌ی ۶۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به تاریخ ۱۳۷۱/۵/۶، موضوع پرونده‌ی شماره‌ی ۷۱/۲۱، در خصوص شکایت و خواسته‌ی ابطال بخشنامه‌ی شماره‌ی ۱۴۹۹۷/۷۲۹/۱/۷۳ مورخ ۱۳۶۹/۸/۸ گمرک ایران: «نظر به این‌که حفاظت مردم و نسل‌های آینده به طور کلی و محیط در برابر اثرات زیان‌آور اشعه

امروزه برنامه‌های پیشگیری از جرایم در قالب رسمی و دولتی صرف، از اقبال چندانی برخوردار نیست؛ موفقیت این برنامه‌ها منوط به مشارکت تمامی کنشگران جامعه‌ی مدنی است. در همین راستا اسناد مهم بین‌المللی مربوط به محیط زیست مانند اعلامیه‌ی ریو و دستور ۲۱، متضمن عناصری است که بر مشارکت کلیه‌ی بازیگران غیردولتی برای حفاظت از محیط زیست تأکید دارد. فصل بیست و سوم دستور ۲۱، به تقویت نقش گروه‌های عمده اختصاص یافته است و بر تعهد و مشارکت جدی همه‌ی گروه‌های اجتماعی در تحقق اهداف، سیاست‌ها و مکانیسم‌ها تأکید دارد.

فصل بیست و هفتم دستور مذکور به تقویت سازمان‌های غیردولتی اختصاص یافته است؛ این سند سازمان‌ها را به عنوان شرکایی برای توسعه‌ی پایدار معرفی می‌کند. ابتدای فصل با عبارت زیر آغاز می‌شود: «سازمان‌های غیردولتی نقش حیاتی در روند مردم‌سالاری بازی می‌کنند». این سازمان‌ها در حوزه‌ی جغرافیایی فعالیت (محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی) و موضوع مورد فعالیت (حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، توسعه و محیط‌زیست و غیره) از تنوع زیادی برخوردارند. به منظور تبیین بیشتر، موضوع پیشگیری مشارکتی در پرتو فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی بررسی می‌شود.

۲-۱. پیشگیری مشارکتی در حوزه‌ی محیط زیست

سازمان‌های غیردولتی در چارچوب اهداف تعیین شده در اساسنامه‌ی خود حرکت کرده و به تناسب هدف و موضوعی که برای آن تأسیس شده‌اند، در قبال مسائل گوناگون اتخاذ تصمیم می‌نمایند. در مقایسه با سازمان‌ها و نهادهای دولتی، این سازمان‌ها عموماً از حیث مالی و تکنیکی با محدودیت‌های بسیاری مواجهند. لذا، این سازمان‌ها برای نیل به اهداف خود از ابزارها و شیوه‌هایی بهره می‌گیرند که کم و بیش توسط سایر سازمان‌های غیردولتی نیز استفاده می‌شود. به کارگیری این

حسب بند ۵ ماده ۳ قانون لاحق اخیر از موارد شمول قانون احصاء و در جهت حسن اجرای مقررات قانون نظارت بر کلیه امور مندرج در ماده ۳ و بازرسی در زمینه‌های مزبور به عهده واحد قانونی (سازمان انرژی اتمی) گذارده شده و کنترل مواد غذایی از جهت آلودگی با اشعه از جمله موارد حفاظت مردم و نسل‌های آینده به طور کلی و... وظیفه نظارتی سازمان انرژی اتمی است...».

وسایل و ابزارها بیشتر در جهت کاهش یا به حداقل رساندن احتمال ارتکاب جرائم زیست‌محیطی است. اعمال اصل پیشگیری و به کارگیری کاربست‌های غیرکیفری به عنوان نخستین و آسان‌ترین راه برای حفاظت از عناصر طبیعی محسوب می‌شود. تجربه و تخصص علمی ثابت می‌کند که چه به دلیل اکولوژیکی و چه به دلیل اقتصادی، پیشگیری باید «قاعده‌ی طلایی» محیط زیست باشد. در برخی از موارد در صورت ورود آسیب به محیط زیست جبران آن غیرممکن است: انقراض گونه‌های جانوری یا گیاهی، فرسایش و تخلیه‌ی آلاینده‌های پایدار در دریا، وضعیت‌های مهارنشده‌ی و غیرقابل بازگشتی را به وجود می‌آورد. حتی زمانی که آسیب قابل جبران باشد، هزینه‌های احیای محیط زیست بسیار بالا است. در بسیاری از موارد، پیشگیری از تمام خطرات احتمالی چنین آسیب‌هایی ناممکن است. در چنین مواردی به منظور حفاظت از محیط زیست و حقوق دیگران ممکن است ضمن اجازه‌ی انجام فعالیت‌های خطرناک، تدابیری اتخاذ شود تا خطر «به حداقل ممکن عملی» کاهش یابد (Shelton & Kiss, 2005: 20).

قلمرو مادی محیط زیست بسیار گسترده است و می‌تواند تحت اشکال مختلف مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد. ارتباط تنگاتنگ موجود بین عناصر محیط زیست موضوعی است که از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا این ارتباط، جرایم مربوط به محیط زیست را از سایر جرایم متمایز می‌کند؛ در واقع جرایم مربوط به این حوزه را وارد عرصه‌ی جدیدی می‌کند که باید مورد توجه خاص قرار گیرند. در مجموع، گستردگی موضوع محیط زیست سبب تنوع جرایم ارتكابی نسبت به آن می‌شود. لذا تنوع مجرمان، نتیجه‌ی منطقی تنوع جرایم است؛ در عمل تعیین میزان مشارکت هر یک از مرتکبان جرایم زیست‌محیطی کار آسانی نخواهد بود. با توجه به توضیحات فوق مرتکبان جرایم زیست‌محیطی را می‌توان به اشخاص حقیقی و حقوقی تفکیک کرد. با این وجود، تعیین دقیق مرتکب یا مرتکبان جرایم مزبور و میزان مشارکت هر یک از این اشخاص در این جرایم یکسان نیست. برای مثال در آلودگی هوا، تعیین دقیق میزان گازهای متصاعد شده از هر یک از آلوده‌کنندگان هوا (کارخانه‌های صنعتی و دارندگان اتومبیل) از یک سوی و سهم هر یک از تولیدکنندگان (تولیدکنندگان اتومبیل غیراستاندارد و تولیدکنندگان سوخت نامناسب و غیراستاندارد) در ایجاد

آلودگی از سوی دیگر، امری دشوار است. ضمن آن‌که، باید آلودگی‌های فرامرزی را نیز به آن افزود؛ امری که از ارتباط نزدیک بین عناصر زیست‌محیطی و تأثیر و تأثر هر یک از آن‌ها نسبت به یکدیگر ناشی شده و در نتیجه، شناسایی آلوده‌کنندگان و منبع آلودگی را دشوار می‌سازد.

تشخیص مجنی‌علیه جرایم زیست‌محیطی با چند مشکل عمده مواجه است؛ چنانچه محیط زیست به عنوان مجنی‌علیه تلقی شود، این مجنی‌علیه دارای شخصیت حقیقی و حقوقی نیست؛ هم‌چنین ارزش محیط زیست، جنبه‌ی ذاتی دارد؛ ارزش آن بالذات نباید با توجه به نفع و سودی که برای بشر دارد، سنجیده شود؛ پیش از هر چیز احترام به آن باید بر ارزش ذاتی آن متوقف باشد و نه اهمیتی که بالعرض برای انسان به ارمغان می‌آورد.

پرسش این است که با توجه به ویژگی‌های متصور برای جرایم زیست‌محیطی آیا پیشگیری از جرایم مزبور با سایر جرایم متفاوت است؟ قدر مسلم این است که پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و نیازمند یک برنامه‌ی یکپارچه و کلان است؛ در این میان سازمان‌های غیردولتی نقشی محوری خواهند داشت.

از حیث کارکردی، ماهیت اقدامات سازمان‌های غیردولتی بیشتر واجد پیشگیری غیرکیفری است؛ زیرا وسایل و شیوه‌های مورد استفاده این سازمان‌ها، جنبه‌ی پلیسی و سرکوبگرانه ندارند. شیوه‌های مذکور به طور معمول غیرقهرآمیز است؛ از این حیث نمی‌توان آن‌ها را با سازوکارهای قهرآمیز و واکنشی نهادهای دولتی مقایسه کرد. برای مثال سازمان‌های مذکور با درج مقالات گوناگون علمی در خصوص معضلات محیط زیست در نشریات خود و یا انتشار آمار و ارقام در گزارشات خود در خدمت پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست می‌باشند.^۱

۱. سازمان غیردولتی جامعه‌ی جنگلبانی ایران در زمینه‌ی حفظ محیط زیست و به ویژه منابع طبیعی و جنگل‌ها فعالیت می‌نماید. این تشکل دارای نشریه‌ای به نام طبیعت سبز می‌باشد که در آن مسائل مربوط به آلودگی‌های ناشی از تأسیس شهرک صنعتی ارسنجان و پارک چقاسبیز ایلام مطرح شده است. از اقدامات دیگر این تشکل، تهیه‌ی نامه‌های متعدد برای کمیسیون‌های مجلس است که در آن با اظهارنظرهای فنی و کارشناسی که توسط متخصصان جامعه‌ی جنگلبانی ایران صورت گرفته است، به نقد اقدامات دولت در زمینه‌ی محیط زیست می‌پردازد. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:

بنابراین، سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی تلاش می‌کنند با اطلاع‌رسانی، آموزش و بسیج افکار عمومی و با اعلام خطر نسبت به وضعیت محیط زیست، اقدامات پیش‌گیرانه‌ی خود را به شرح زیر انجام دهند.

۱-۲-۱. اطلاع‌رسانی نسبت به وضعیت محیط زیست محلی، منطقه‌ای،

ملی و بین‌المللی

اطلاع‌رسانی یکی از شیوه‌های مرسوم مورد استفاده‌ی این سازمان‌ها است. به طور کلی، دسترسی عموم به اطلاعات و مشارکت آن‌ها تنها مختص به مقررات‌گذاری در حوزه‌ی محیط زیست نمی‌شود، بلکه این حق، پیش از هر موضوعی به دولت و شهروندان مربوط است که در تمام نظام‌های مردم‌سالار وجود دارد. در اینجا موضوع اطلاع‌رسانی و اطلاعات و مشارکت شهروندان واجد اهمیت بسیار است؛ زیرا با مشارکت ایشان در اتخاذ تصمیمات، بستر مناسبی برای مردم‌سالاری فراهم می‌شود. از طرف دیگر رعایت این حق برای شهروندان مبین توجه دولتمردان به کثرت‌گرایی و اشتراک مساعی مردم در اداره‌ی امور کشور و حق تعیین سرنوشت‌شان می‌باشد. توسعه‌ی حق دسترسی شهروندان به اطلاعات و مشارکت ایشان در اتخاذ تصمیمات مربوط به مسایل زیست‌محیطی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا، دسترسی به داده‌های زیست‌محیطی و مشارکت آن‌ها در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری متضمن آثار مستقیمی بر شهروندان خواهد بود.

از نظر مفهومی حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی به دو صورت متصور است: نخست، معنای مضیق این حق، که در واقع همان آزادی جستجوی اطلاعات است. مطابق این تفسیر مقامات صالح، اطلاعات درخواست شده را بنا به تقاضای اشخاص حقیقی یا حقوقی در اختیارشان قرار می‌دهند. در واقع این نوع اطلاع‌رسانی جنبه‌ی انفعالی دارد؛ زیرا مقامات عمومی صالح با توجه به درخواست ارائه شده توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی، اطلاع‌رسانی می‌کنند؛ به عبارت دیگر این مقامات ابتدا هیچ‌گونه اطلاعاتی در اختیار افراد قرار نمی‌دهند، مگر این که درخواست قبلی و اولیه‌ای وجود داشته باشد. برای مثال، یک سازمان غیردولتی مدافع محیط زیست می‌تواند اطلاعات لازم در خصوص اجرای یک طرح عمرانی مانند سدسازی یا ایجاد

یک بزرگراه را از مقامات صالح در آن حوزه درخواست نماید. در این صورت مقامات عمومی مکلف به اطلاع‌رسانی و پاسخ به سازمان مربوطه می‌باشند؛ مگر این‌که اطلاعات درخواست شده جزء استثنائات وارده بر حق بر اطلاعات باشد که در این صورت از اطلاع‌رسانی خودداری می‌شود.

دوم، حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی به معنای موسع کلمه که در واقع همان حق دسترسی به اطلاعات یا حق دریافت اطلاعات می‌باشد. در اینجا از اطلاع‌رسانی فعال سخن می‌رود؛ بدین معنی که مقامات صالح اداری بنا به ابتکار خود، اطلاع‌رسانی می‌کنند و احتیاجی به درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی ندارند. به عبارت دیگر، هر شهروند حق دریافت اطلاعات مربوط به محیط زیست خود را دارا می‌باشد، بدون این‌که مستلزم درخواست قبلی و اولیه باشد؛ مانند اطلاع‌رسانی به شهروندان در خصوص آلودگی هوا در کلان شهرها.

باید توجه داشت که بعضی از سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه‌ی محیط‌زیست دارای اطلاعات تخصصی دقیقی هستند؛ این اطلاعات می‌تواند تصمیم‌گیران و مجریان طرح‌های بزرگ صنعتی را از حیث مسائل زیست‌محیطی یاری کند. برای مثال این سازمان‌ها به خوبی قادر به جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌باشند و از این طریق می‌توانند به عنوان کارشناس در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تأثیرگذار باشند. نمونه‌ی بارز این مشارکت را می‌توان در امور تخصصی مانند مطالعه‌ی آثار زیست‌محیطی طرح‌های بزرگ عمرانی مشاهده کرد؛ به لطف روش‌ها و ابزارها و نقش کارشناسی این سازمان‌ها می‌توان از حقوق عموم در حوزه‌ی محیط زیست دفاع کرد.

۲-۱-۲. بسیج افکار عمومی

یکی از ابزارهای قدرتمند این سازمان‌ها در سطح ملی و بین‌المللی، تظاهرات بیرونی آن‌ها می‌باشد که آن‌ها را به یک گروه فشار قدرتمند تبدیل می‌کند. اقدامات این سازمان‌ها از تنوع بسیاری برخوردار است؛ به نحوی که، از اعتراض سخت یک سازمان غیردولتی اکولوژیک نسبت به آزمایشات هسته‌ای یک کشور در دریا تا شکل‌گیری یک ائتلاف برای مبارزه با مین‌های ضد نفر و تأسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی را

شامل می‌شود. لذا این سازمان‌ها به مدد وضعیت رسمی و غیررسمی که در عرصه‌ی بین‌المللی برای آن‌ها لحاظ شده است، قادرند به نوبه‌ی خود در روابط بین‌الملل منشأ اثر باشند. باید توجه داشت که از حیث تأثیرگذاری و اعتبار، اقدامات این سازمان‌ها یکسان نیست؛ زیرا هم از حیث نوع فعالیت و هم از حیث گستره‌ی جغرافیایی از تنوع بسیاری برخوردار هستند. این سازمان‌ها در سطح ملی برای نیل به اهداف خود در راستای حفاظت از محیط زیست، اقداماتی چون تهیه‌ی طومار برای حمایت از یک موضوع زیست‌محیطی چون طرح جابجایی جاده‌ی اتصال شمال کشور به استان خراسان یا مخالفت با تخریب‌های غیرمجاز منابع طبیعی صورت داده‌اند. گاهی اقدامات این سازمان‌ها به‌گونه‌ای است که می‌تواند در شکل‌گیری معیارهای حداقلی مورد توجه قرار گیرند، برای مثال شرکت‌های تهیه‌ی و تولید فرآورده‌ها و محصولات غذایی یا حتی بهداشتی و دارویی و پوشاک و خدماتی نیز برای حفظ اعتبار خود در بازار و هم‌چنین مطلوبیتشان از حیث خریدار، آرم مجوز اعطایی این مؤسسات را به‌عنوان دلیلی بر کیفیت بالای محصولات خود بر کالایشان درج می‌کنند. به‌رغم کوشش‌های فراوان سازمان‌های غیردولتی در ایران، هنوز این سازمان‌ها نتوانسته‌اند به‌نحو شایسته‌ای جایگاه واقعی خود را بیابند و در بسیج افکار عمومی جهت حفظ محیط زیست و پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی به‌طور یکپارچه عمل کنند.

۳-۲-۱. آموزش

آموزش نقش مهمی در پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست دارد؛ از این رو، سازمان‌های غیردولتی با تشکیل شبکه‌های زیست‌محیطی، آموزش‌هایی را برای آشنایی افراد با طبیعت و نحوه‌ی تعامل با آن آغاز کرده‌اند. تشکیل کارگاه‌های تخصصی برای آموزش افراد مختلف از جمله زنان، دانش‌آموزان و کودکان در همین راستا بوده است. هدف اصلی از این آموزش‌ها، آشنایی هر چه بیشتر با محیط زیست و تبادل اطلاعات و تجربیات است. انجام تحقیق در خصوص مسایل گوناگون زیست‌محیطی جهت گردآوری اطلاعات و آمار دقیق در مورد وضعیت محیط زیست مناطق مختلف و هم‌چنین تحقیق بر روی گونه‌های جانوری و گیاهی از جمله مواردی

است که در چارچوب اقدامات این سازمان‌ها انجام شده است.^۱

۲. حق دادخواهی سازمان‌های غیردولتی در دعاوی زیست‌محیطی

تبیین نقش سازمان‌های غیردولتی در پیش‌گیری از جرایم زیست‌محیطی، مستلزم آن است که موضع نظام حقوقی ایران در شناسایی حق دادخواهی برای این سازمان‌ها بررسی و آسیب‌شناسی گردد. شناسایی این حق یکی از معیارهایی است که براساس آن می‌توان جایگاه و اهمیت اصل مشارکت را ارزیابی نمود؛ امری که نقش مهمی در روند اجرای مقررات زیست‌محیطی ایفا می‌کند. در این راستا ابتدا قوانین موجود و آن‌گاه برخی جهت‌گیری‌های نوین در این خصوص بررسی می‌شود.

۲-۱. مطالعه‌ی تطبیقی

موضوع ذی‌نفع در دعاوی کیفری زیست‌محیطی، یکی از مسایل بحث‌برانگیز نظری و عملی است؛ زیرا جرایم زیست‌محیطی ماهیتاً دارای وضعیت خاصی هستند که نمی‌توان آن‌ها را با دیگر جرایم مقایسه کرد. در واقع در این گونه جرایم، مجنی‌علیه قربانی خاموشی است که توان اعتراض و دفاع از خود را ندارد. در این شرایط دو فرض متصور است.

فرض نخست، هنگامی است که از رهگذر جرم علیه محیط زیست، به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری خسارت وارد شود؛ در این فرض، به تبع شکایت زیان‌دیده‌ی خصوصی، محیط زیست نیز می‌تواند مورد حمایت نظام حقوقی قرار گیرد.

فرض دوم هنگامی است که جرم صرفاً علیه محیط زیست ارتکاب می‌یابد. بی‌آن‌که به طور مستقیم زبانی به اشخاص دیگر وارد شود. آلوده کردن آب رودخانه‌های آزاد، دریاها، صید بی‌رویه، شکار غیرمجاز و تخریب جنگل‌ها از جمله مسائلی است که در نتیجه‌ی آن‌ها محیط زیست قربانی جرایم زیست‌محیطی واقع می‌شود؛ امری که

۱. یکی از اقدامات موفق سازمان‌های غیردولتی در مورد رودخانه‌ی زاینده‌رود است؛ زیرا، این سازمان‌ها از تمامی ظرفیت‌های خود در جهت فرهنگ‌سازی، جمع‌آوری اطلاعات، اعتراض به کارخانه‌های آلوده‌کننده‌ی رودخانه، ارائه‌ی راه‌حل برای مشکلات موجود به نحوی کاملاً علمی و تخصصی و همکاری با دولت در اتخاذ تصمیم و برنامه‌ریزی برای حل مشکلات موجود و هم‌چنین تعیین روز بزرگداشت زاینده‌رود در جهت حمایت از رودخانه استفاده کردند. بنگرید به:

(KOUSHAFAR, AMINI and AZADIPOUR, 2007: 14-15)

ظاهراً زیانی را به نحو مستقیم بر اشخاص وارد نمی‌کند.

در خصوص فرض اخیر، جرم را باید از مصادیق جرایم علیه منافع عمومی در نظر گرفت، در این جرایم فقط دادستان یا مدعی‌العموم دارای سمت قانونی^۱ لازم برای اعلام جرم و طرح دعوای کیفری در دادگاه صالح است. این در حالی است که در بسیاری از کشورها از جمله ایران، جرایم علیه محیط زیست در مقایسه‌ی با دیگر جرایم عمومی، در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارند؛ در همین رو است که دادستان‌ها نیز نسبت به موارد مظنون به ارتکاب جرایم زیست‌محیطی توجه چندانی نشان نمی‌دهند. از این رو این پرسش هم‌چنان باقی است که در خصوص این گونه جرایم چه باید کرد و چه اقداماتی را می‌توان صورت داد؟

بی‌تردید تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی در دعوای زیست‌محیطی یکی از راهکارهای مهم حل این مشکل خواهد بود. اقبال این سازمان‌ها و شناسایی حق طرح دعوا به مقررات داخلی محدود نیست بلکه در بعضی از اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حمایت از محیط زیست از طریق حقوق کیفری^۲ نیز مورد توجه قرار گرفته است.^۳ ماده‌ی ۱۱ این کنوانسیون به گروه‌های زیست‌محیطی از جمله سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی به عنوان ذی‌نفع برای طرح دعوای زیست‌محیطی، سمت اعطا کرده است. در همین راستا، دستور کار ۲۱ حکومت‌ها و قانونگذاران را برای تضمین غرامت حقوقی و جبران اقدامات اثرگذار بر محیط‌زیستی که غیرقانونی بوده یا حقوق قانونی را نقض می‌کنند، به ایجاد آیین‌های قضایی و اداری فرامی‌خواند.^۴

مطالعه‌ی تطبیقی حقوق سایر کشورها مبین این واقعیت است که برای پاس‌خگویی به این مشکل، کشورها تلاش کرده‌اند تا با نقش‌دهی به سازمان‌های

1. Locus standi

2. Convention on the Protection of the Environment Through Criminal Law, Council of Europe, European Treaty series- No.175, Strasbourg 4, Nov. 1988, also available at: < <http://conventions.coe.int/treaty/Commun/QueVoulezVous.asp?NT=172&CL=ENG> >.

۳. این کنوانسیون در سطح شورای اروپا تدوین شده و هنوز هم لازم‌الاجرا نشده است. از میان چهارده کشور امضاکننده، تنها کشور استونی این سند را تصویب نموده است. به موجب ماده‌ی ۱۳ این کنوانسیون، تصویب سه کشور برای لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ضروری است.

4. Agenda 21, Chapter 8, Integrating Environment and Development in Decision-Making, Para. 18.

غیردولتی در فرایند کیفری این معضل را مرتفع نمایند. برای مثال، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مواد ۱-۲ تا ۲۱-۲ مقررات مفصلی برای حمایت از انجمن‌های کمک به بزهدیدگان مقرر داشته است؛ به موجب این مواد، در صورت وجود برخی شرایط، این انجمن‌ها می‌توانند نقش شاکی پیدا کرده و حتی اقامه‌ی دعوا نمایند. در واقع، این انجمن‌ها می‌توانند برای وصول به اهداف نظام عدالت کیفری دادستان و بزهدیده را بسیار یاری رسانند.

در این نظام حقوقی افزون بر قانون آیین دادرسی کیفری در قوانین دیگری چون قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان^۱ و حقوق محیط زیست^۲ به انجمن‌های حامی محیط زیست سمت حقوقی اعطا شده تا بتوانند تحت شرایط مندرج در این قوانین در نزد مراجع اداری و قضایی حاضر شوند. بنابراین، انجمن‌ها نسبت به اعمالی که به منافع عمومی موضوع حمایت این انجمن‌ها خسارت می‌رساند، می‌توانند حقوق لحاظ شده برای مدعی خصوصی را اعمال کنند (Code de l'environnement, L142-2).

وضع قانون یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مراحل در حفاظت از محیط زیست محسوب می‌شود. تقنین به تنهایی برای صیانت از منابع طبیعی وافی به مقصود نیست؛ زیرا مقررات وضع شده باید توسط ارکان اجرایی به مرحله‌ی اجرا گذاشته شود. تحقق و اهداف مندرج در قوانین و مقررات وضع شده، در صورتی ملموس خواهد بود که برای عدم اجرای آن‌ها ضمانت اجرایی وجود داشته باشد و این ضمانت اجراها توسط مقامات قضایی صالح تضمین گردد. بر این اساس، در صورتی می‌توان به نظام حقوقی در حوزه‌ی محیط زیست امیدوار بود که هریک از قوای سه‌گانه وظایف‌شان را به خوبی انجام دهند.

در فرانسه، «دیوان اداری مقرر کرد که یک انجمن ترویج گردشگری و حفاظت از طبیعت می‌تواند حسب اهداف مندرج در اساسنامه‌اش، با ارائه ادله‌ای دایر بر داشتن نفع کافی، به صدور مجوز برای احداث کارخانه بازیافت زباله اعتراض کند. دیوان هم‌چنین مقرر نمود که اتحادیه‌های کارگری بویژه اتحادیه‌های مرتبط با صنایع شیمیایی که نفع‌شان در ابقاء مجوز است، حق خواهند داشت وارد رسیدگی شوند.

1. Code de la consommation, L 142-1, 2, 3, 4 et 5.

2. Code de l'environnement, L142-1, 2 et 3.

در همین چارچوب دادگاه تجدید نظر، سمت یک انجمن حفاظت از طبیعت را در دعوی ابطال مجوز احداث معدن اورانیوم مورد شناسایی قرار داد. با این همه، انجمن به دلیل ناتوانی در اثبات ورود خسارات مادی نتوانست حکمی دایر بر جبران خسارت بدست آورد» (شیلتون و کیس، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

لذا در اکثر کشورها تلاش می‌شود تا بر پایه‌ی اصول پیشگیری توسط حقوق اداری، مقابله توسط حقوق کیفری و جبران خسارت توسط حقوق مدنی، بستر مناسبی برای اجرای مقررات زیست‌محیطی فراهم آید. تحقق این مهم منوط به نقش‌دهی به این سازمان‌ها و مشارکت آن‌ها در پیشگیری و مقابله جرایم زیست‌محیطی است. همان‌گونه که گفته شد از دیرباز تأسیس و مشارکت این سازمان‌ها در حقوق فرانسه مورد اهتمام بوده و توانسته است در اجرای مقررات زیست‌محیطی در این کشور نقش بسزایی ایفا کند.

۲-۲. نظام حقوقی ایران

در حقوق ایران به طور صریح هیچ قانونی حق دسترسی سازمان‌های غیردولتی را به مراجع قضایی مورد شناسایی قرار نمی‌دهد و چنین حقی را حسب موضوع دعوا به متولیان دولتی محدود می‌کند (رضوانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۷، ج ۴، ش ۱: ۱۰۵-۱۰۲). این خلاء حقوقی مشکلات عملی بسیاری برای سازمان‌های زیست‌محیطی که در صدد واکنش در قبال آسیب‌های زیست‌محیطی هستند، ایجاد می‌کند. با این وجود در حقوق موضوعه‌ی ایران، به استناد برخی مقررات پراکنده و ارائه‌ی و تفسیری موسع از آن‌ها می‌توان حق دسترسی به مراجع قضایی را استنباط نمود.

۲-۲-۱. قانون اساسی

اصل سی و چهارم قانون اساسی اشعار می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد».

ریشه‌ی این اصل از قانون اساسی را باید در ماده‌ی ۸ اعلامیه‌ی جهانی حقوق

بشر^۱ جستجو کرد. توجه به واژگانی چون «هر فرد»، «هر کس»، «همه‌ی افراد ملت» و «هیچ کس» در قانون اساسی این امر را به ذهن متبادر می‌کند که مبنای حقوقی برای حضور سازمان‌های غیردولتی در دادرسی‌ها وجود دارد؛ ضمن آن که در اصول دیگر^۲ این قانون و به عناوین مختلف این امر شناسایی شده است. پرسش این است که آیا عدم تصریح به حق سازمان‌های غیردولتی برای دادخواهی، می‌تواند موجبی برای جلوگیری از حضور این سازمان‌ها شود؟

با توجه به واقعیات کنونی و ماهیت جرایم زیست‌محیطی، محرومیت این سازمان‌ها از دسترسی به مراجع قضایی منطقی به نظر نمی‌رسد. در عرصه‌ی بین‌المللی به طرق مختلف این سازمان‌ها ایفای نقش می‌کنند؛ یکی از بارزترین مصادیق این مشارکت، حضور آن‌ها در پیشگاه بعضی از مراجع قضایی بین‌المللی است که از آن‌ها با عنوان «دوستان دادگاه»^۳ یاد می‌شود. این نهاد ملهم از حقوق کشورهای انگلوساکسون بوده و به تدریج در حقوق بین‌الملل راه یافته و در حال گسترش است.^۴ پرسش اساسی همچنان این است که آیا این سازمان‌ها می‌توانند در دعاوی زیست‌محیطی اصیل تلقی شده و به طور مستقیم طرف دعوا واقع شوند؟ بررسی برخی اصول کلی قانون اساسی مانند اصول چهلم^۵ و چهل و پنجم^۶ این قانون می‌تواند

۱. «در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه را دارد».

۲. مطابق اصل نودم قانون اساسی: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند».

3. (See: Shelton, 1994, Vol.88: 611-616; Ascension, 2000: 897-929).

۴. دوست یا یار دادگاه نه طرف دعوا تلقی می‌شود و نه ثالث. مرجع رسیدگی‌کننده با توجه به صلاحیت، تجربه و تخصصی که فرد یا گروهی از افراد دارند، از آن‌ها دعوت می‌کند تا نظرات خود را به صورت کتبی یا شفاهی در اختیار آن مرجع بگذارند. در صورتی که اساسنامه یا قواعد آیین دادرسی مرجع رسیدگی‌کننده چنین امری را پیش‌بینی کرده باشد، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند به سهولت در این مراجع حضور یابند. مراجع حقوق بشری مانند دیوان اروپایی حقوق بشر، محلی مناسب برای ارسال گزارش‌های این سازمان‌ها است.

۵. «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

۶. «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید».

در مقام پاسخ راهگشا باشد.

اصل اخیر ضمن تأکید بر «منافع عمومی» و «مصلح عامه» برخی از عناصر زیست‌محیطی را برشمرده و از آن‌ها با عنوان «انفال و ثروت‌های عمومی» یاد می‌کند که در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه مصرف نماید. هم‌چنین به موجب اصل پنجاهم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشد داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد...». پرسش این است که آیا اقامه‌ی دعوا برای حمایت از محیط زیست می‌تواند به عنوان یک «وظیفه‌ی عمومی» تلقی شود؟ پاسخ مثبت به این پرسش با استناد به اصول هشتم و نودم این قانون تقویت می‌شود. مطابق اصل هشتم «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند...». به موجب اصل نودم «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند...» واژه‌ی «هرکس» مذکور در این اصل می‌تواند تمام اشخاص حقیقی و حقوقی را در برگیرد. از این رو به نظر می‌رسد نمی‌توان سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی را از حق دسترسی به مراجع دادگستری برای صیانت از محیط زیست محروم کرد.

۲-۲-۲. آیین‌نامه‌ی اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی

همان‌گونه که گفته شد، حق اقامه‌ی دعوا از سوی سازمان‌های غیردولتی در خصوص جرایم زیست‌محیطی از برخی اصول قانون اساسی مستفاد است؛ افزون بر این، از میان دیگر مقررات حاکم می‌توان به آیین‌نامه‌ی اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب بیست و نهم خرداد ماه ۱۳۸۴ هیأت وزیران اشاره کرد که به طور مستقیم به این مهم می‌پردازد.

این آیین‌نامه به سازمان‌های غیردولتی اجازه می‌دهد متناسب با موضوع فعالیت خود، با رعایت این آیین‌نامه و سایر قوانین و مقررات مربوط فعالیت نموده و

نسبت به حق دادخواهی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی اقدام کنند. مطابق ماده‌ی ۱۶ این آیین‌نامه، «سازمان [سازمان‌های غیردولتی] حق دارد در موضوع فعالیت‌های خود و برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی اقامه دعوا نماید».

این ماده تنها ماده‌ای است که به سازمان‌های غیردولتی اجازه‌ی طرح دعوا را به نام منافع عمومی می‌دهد. لذا حق دادخواهی به طور عام برای این سازمان‌ها پذیرفته شده است؛ این سازمان‌ها می‌توانند در راستای موضوع فعالیت‌های خود و به منظور حمایت از منافع عمومی طرح دعوا نمایند. اشاره به «منافع عمومی» در این ماده به خوبی با مفاد اصل پنجاهم قانون اساسی تطابق دارد؛ زیرا حفاظت از محیط زیست در این اصل «وظیفه‌ای عمومی» تلقی شده است. بر این اساس دادخواهی سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی برای حمایت از محیط زیست «وظیفه‌ای عمومی» است که از سوی این سازمان‌ها در مرحله‌ی دادرسی ایفا می‌شود.

به رغم آنچه گفته شد، قالب حقوقی پیش‌بینی چنین حقی محل تأمل است؛ چرا که از نظر شکلی، آیین‌نامه‌ها در زمره‌ی مقررات محسوب می‌شوند و نه قوانین؛ لذا فاقد ضمانت اجرای قانونی بوده و بر این اساس است که وفق اصل یکصد و هفتادم «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۱: ۲۸۹-۲۸۷). پیش‌بینی حق دادخواهی برای سازمان‌های غیر دولتی در آیین‌نامه‌ی مذکور به تنهایی وافی به مقصود نیست؛ قانونگذار باید برای تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی، مقدمات مشارکت فعالانه‌ی این سازمان‌ها را در مرحله‌ی دادرسی فراهم کند.^۱

۱. شاید یکی از بارزترین نمونه‌های عملی در خصوص طرح دعوای سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی مربوط به جنگل لویزان باشد. در طی این دعوا سازمان‌های مذکور در سال ۱۳۸۴ در قالب یک شبکه‌ی منسجم علیه معاونت فنی شهرداری تهران به دلیل تخریب این جنگل و قطع بیش از هشت هزار اصله درخت جنگلی آن اقدام به طرح دعوا کردند. هر چند طرح این دعوا به هیچ نتیجه‌ی عملی منجر نشد؛ اما یک خلاء قانونی را آشکار ساخت؛ در واقع، شناسایی یک وضعیت حقوقی مناسب جهت طرح دعوا برای این سازمان‌ها در حوزه‌ی محیط زیست امری ضروری است که باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد. در هر صورت این که مرجع رسیدگی‌کننده دعوا را استماع نمود، تحولی قابل توجه در حقوق ایران محسوب می‌شود.

قوه قضاییه در پاسخ به این خلاء قانونی، در سال ۱۳۸۷ و به دنبال طرح برخی مطالبات از سوی سازمان‌های غیردولتی از یک سو و مواجهه‌ی قضات دادگستری با طرح دعاوی متعدد توسط شبکه‌های زیست‌محیطی غیردولتی^۱ از سوی دیگر، در صدد شناسایی سمت برای این سازمان‌ها برآمد. آن‌گونه که به موجب ماده‌ی ۶۶ لایحه‌ی جدید آیین دادرسی کیفری^۲: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره‌ی حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض کنند».

این ماده در راستای تقویت نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری و با هدف حمایت از بزه‌دیدگان جرائم خاص، بر حضور مؤثر و مفید آنان در فرایند دادرسی کیفری صحنه می‌گذارد. باید توجه داشت که نحوه‌ی نگارش ماده می‌تواند متضمن دو تفسیر متعارض باشد؛ تفسیر نخست آن‌که، ماده صرفاً به سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه‌های مورد نظر، حق «اعلام جرم» را اعطا کرده و از اعطای سمت طرح دعوا به آن‌ها خودداری نموده است. تفسیر دوم که با اهداف حقوق شهروندی به طور اعم و حقوق محیط زیست به طور اخص سازگارتر است، این است که با توجه به بخش اخیر ماده که به سازمان‌های یادشده «در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل، [حق] شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی» حق اعتراض اعطا می‌کند، قانونگذار به سازمان‌های مردم‌نهاد در دعاوی موضوع ماده، اعطای سمت نموده است. به دیگر سخن، چندان منطقی نیست که قانونگذار بدون اعطای حق طرح دعوا به این سازمان‌ها، حق اعتراض یا تجدیدنظرخواهی از آرای صادره در خصوص آن

۱. از این جمله است ورود سازمان‌های غیردولتی به دعاوی راجع به تخریب درختان لویزان.

۲. این لایحه مصوب جلسه‌ی نوزدهم بهمن‌ماه ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی است که بر اساس اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب آن به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی واگذار شده است. در این جلسه با اجرای آزمایشی لایحه‌ی جدید آیین دادرسی کیفری به مدت سه سال موافقت گردید. این لایحه در تاریخ سوم اسفند ۱۳۹۰ به شورای نگهبان ارسال شده است؛ از سوی این شورا ایرادهای بسیاری بر برخی مواد لایحه صورت گرفته است؛ بر این اساس تاکنون لایحه‌ی مذکور تأیید نهایی نشده است. بنگرید به پایگاه الکترونیکی شورای نگهبان به آدرس: <http://www.shora-gc.ir>

دعوا را به آن‌ها اعطا نموده باشد.

افزون بر این، اعطای حق شرکت در کلیه‌ی مراحل دعوا و حق اعتراض به آراء مراجع قضایی، قرینه‌ی قابل تأملی بر وجود «نفع حقوقی» برای سازمان‌های مزبور به عنوان ذی‌نفع این دعاوی است. دیگر آن‌که، این حق، ذیل فصل سوم لایحه با عنوان «وظایف و اختیارات دادستان» آمده است که در جای خود بیانگر اعطای یک کارکرد و نقش شبه‌دادستانی به سازمان‌های مردم‌نهاد است؛ امری که نوآوری بی‌بدیلی در حقوق ایران به شمار می‌آید.

برآمد

در دادرسی‌های زیست‌محیطی، اعطای سمت قانونی لازم به سازمان‌های غیردولتی برای «اعلام جرم»، طرح دعوا، ارائه ادله و مدارک اثبات جرم، شرکت در کلیه مراحل رسیدگی به جرم و در نهایت «اعتراض به آرای محاکم»، تحولی عمده است که از یک سوی رفع یکی از خلاءهای موجود در نظام حقوقی ایران و از سوی دیگر، تضمین مشارکت مؤثر این سازمان‌ها در اجرای هنجارهای زیست‌محیطی را موجب می‌شود؛ افزون بر این، تحقق مشارکت مؤثر چنین نهادهایی در فرآیند کیفی، گسترش متولیان حفاظت از محیط زیست، از متولیان دولتی به غیردولتی را در پی دارد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان موانع عمده‌ی پیش روی این سازمان‌ها را در پیش‌گیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی ناشی از عوامل زیر دانست؛ برخی از این عوامل، به این سازمان‌ها مربوط است و بعضی دیگر خارج از اقتدار آن‌ها می‌باشد:

الف) تنوع بیش از حد سازمان‌های غیردولتی، در زمینه‌ی محیط زیست و عدم هماهنگی لازم در تعیین اهداف و ساز و کارهای اجرایی بین آن‌ها؛

ب) روابط کم‌رنگ این سازمان‌ها با دولت و نهادهای دولتی؛

ج) پراکندگی وظایف و صلاحیت‌های زیست‌محیطی بین سازمان‌ها و نهادهای دولتی و تصدی‌گری و سلطه‌ی گسترده دولت و نهادهای دولتی بر محیط زیست؛

د) فقدان قانونی جامع و مستقل در خصوص تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی؛

ه) فقدان ساز و کارهای قانونی مؤثر برای مشارکت فعالانه‌ی این سازمان‌ها در فرآیند کیفی؛

و) خلاء وجود وزارتخانه‌ی محیط زیست و عدم پاسخگویی رییس سازمان حفاظت محیط زیست در مقابل مجلس شورای اسلامی.

با این وجود، آنچه بیش از همه در پیش‌گیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی، می‌تواند مؤثر باشد، ایجاد بستری مناسب برای مشارکت عموم در امر حفاظت از محیط زیست در قالب سازمان‌های غیردولتی است؛ تحقق این مشارکت، مستلزم دسترسی آزاد به اطلاعات زیست‌محیطی، مشارکت عموم مردم در فرآیند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، دادرسی و عدالت زیست‌محیطی است.

فهرست منابع

الف: فارسی

- ۱- بیگ‌زاده، ابراهیم، «سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل»، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۳۱-۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۹.
- ۲- رشیدپور، لقمان، بررسی و تحلیل عملکرد تشکل‌های غیردولتی زیست‌محیطی در سال ۱۳۸۲، دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۲.
- ۳- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، «تأملی بر نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در دعاوی کیفری زیست‌محیطی»، نامه‌ی حقوقی مفید، جلد چهارم، شماره‌ی ۱، ۱۳۸۷.
- ۴- شیلتون، دینا؛ کیس، الکساندر، کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، مترجم: محسن عبدالهی، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
- ۵- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱.
- ۶- منصورآبادی، عباس؛ ابراهیمی، شهرام، «تحولات مدیریت پیشگیری از جرم»، فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم، شماره‌ی هشتم، پاییز ۱۳۷۸.

ب: انگلیسی

- 1- Ascencio, H., "*L'amicus curiae devant les juridictions internationales*", R.G.D.I.P., 2000, n°4, Tome 105
- 2- Koushafar, M; Amini, F; Azadipour, Sh., «*The Role of Environmental NGOs in Protection Zayanderood River in Isfshan*», Academy Members, Islamic Azad University & Department of the Environment I.R. Iran, Office of Isfahan, 2007, available in, at www.academicjournals.org
- 3- Shelton, D; Kiss, A., *Judicial Handbook on Environmental Law*, United Nations Environment Program, UK, 2005.
- 4- Shelton, D., "*The Participation of Nongovernmental Organizations in International Judicial Proceedings*", American Journal

of International Law, Vol. 88, 1994.

5- Tribunal administratif de Rouen, 8 june 1993, Association Union touristique des amis de la nature et autres, R.J.E. 1994/1.